

چای در ایران؛

به روایت عکاسان تاریخی

سیدمحسن سنجری
ایمان درویش روحانی



فرهنگ ایلیا



فرهنگ ایلیا

چای در ایران به روایت عکس‌های تاریخی

مجموعه سنجری
ایمان درویش خانی

طراحی جلد و صفحه: آری: مهر برادر

مترجم: مهناز م. ب.

چاپ نخست: ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شماره‌ی نشر: ۷۳۹

نسخه‌برداری و آماده‌سازی: کارگاه نشر فرهنگ ایلیا

نشر فرهنگ ایلیا

رشت، خیابان آزادگان

جنب دبیرستان دکتر بهشتی (خ صفایی).

خیابان حاتم، شماره ۴۹

تلفن: ۰۱۳-۳۳۳۴۴۷۲۳ ۳۳۳۴۴۷۲۳

www.farhangeilia.com

nashre.farhange.ilia

سرشناسه: سنجری، سیدمحسن، ۱۳۵۱-

عنوان و پدیدآور: چای در ایران به روایت عکس‌های تاریخی/

سیدمحسن سنجری، ایمان درویش‌روحانی: [به سفارش] حوزه هنری گیلان

مشخصات نشر: رشت: فرهنگ ایلیا، ۱۳۹۸.

مشخصات ناشری: ۲۱۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۰-۶۶۱-۲

پیرست نویسی: قیبا

موضوع: چای

موضوع: ایران - تاریخ

موضوع: چای - ایران - تاریخ

شناسه افزوده: درویش روحانی، ایمان، ۱۳۶۷-

رده‌بندی کنگره: B۲۷۱

رده‌بندی دیویی: ۶۳۳/۷۲۳

شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۰۹۲۳۱

فهرست

۷	یادداشت حوزه هنری گیلان
۹-۱۱	مقدمه
۱۳-۱۶	شرح ورود چای به ایران
۱۷-۱۸۸	آلبوم عکس‌ها
۱۸۹-۱۹۲	نمایه
۱۹۳	رؤسای سازمان چای ایران
۱۹۴	مدیران اداره کل چای شمال
۲۰۸-۱۹۶	ترجمه انگلیسی شرح عکس‌ها
۲۱۳-۲۰۹	ترجمه انگلیسی مقدمه فارسی





تاریخ صنعت چای ایران، تاریخی پرفراز و نشیب است. تا عصر قاجار، این قهوه بود که به عنوان نوشیدنی فراگیر، محفل آرای مجالس بود. اما وقوع چند تغییر در آن دوران، این وضعیت را دگرگون ساخت. رابطه حکومت ایران با دولت عثمانی که تامین کننده بخشی از قهوه کشور بود تیره شد؛ مزارع قهوه در سریلانکا به دلیل شیوع زنگ قهوه از بین رفت و این کشور به چایکاری رو آورد؛ اقتصاد ملی کم کم در دنیای آن روز که تحت نفوذ دولت انگلستان بود جایگزین نمودار تثبیت کرد؛ رابطه ایران با هندوستان تحت سلطه انگلستان افزایش یافت؛ و در مجموع، گسترش تجارت و مصرف چای در ممالک مجاور و همسایه ایران یا دارای رابطه با ایران باعث شد تا چای وارد فضای اقتصادی و فرهنگی ما شود.

سپس مظفرالدین شاه با اعزام کاشف السلطنه به هندوستان شد تا کشت چای در ایران به نام او پیوند بخورد. او به واسطه حضور در اروپا و آشنایی با ترقیات روز، فردی پیگیر و علاقه مند

به تحول و پیشرفت کشور بود و این را از نوشته های گوناگونش می توان دریافت. او که به اهمیت چای در اقتصاد آن روز جهان آگاه بود برای رواج کشت این محصول در ایران تلاش زایدالوصفی به خرج داد. شادمانی او از به ثمر نشستن این تلاش با امید به استغنائی کامل کشور از ورود چای در نامه هایی که از او به جای مانده، مشهود است. این سخن او که «چای ایران باید پول خود را بابت برگ یک درخت به پای خارجیان بریزد، بازتابنده این تلاش و عزم ملی است.

هر چند او در حادثه راندگی ای که در فروردین سال ۱۳۰۸ شمسی رخ داد درگذشت و ثمره عملی کوشش های خود را ندید اما پس از او تلاش برای رسیدن به این خواسته ملی متوقف نشد.

با مراجعه به اسناد تاریخی و مکتوبات اداری آن زمان درمی یابیم به طور کلی تا سال ۱۳۱۰ شمسی توسعه صنعت چای ایران به دلایل گوناگون (از جمله عدم رغبت و بی اعتمادی مردم به کشت این محصول بیگانه، نبود ماشین آلات مناسب تولید، نا آشنایی با شیوه درست تولید چای و ...) بسیار کند و بطئی بود. چندان که کل اراضی چای در این سال راه اعم از بارده یا تازه احداث، قریب هزار هکتار نوشته اند. اما از سال ۱۳۱۰ به بعد با تلاش ها و حمایت های دولت و تاسیس کارخانه های چای سازی و دقت در تولید، وضعیت کشت چای ایران رو به بهبود نهاد و تمایل به کشت این محصول در نقاط مختلف شمال کشور بیشتر شد و به حدود ۵۰۰۰ هکتار در سال

۱۳۱۹ رسید. در دوره پهلوی اول، دولت زمینه ساخت چند کارخانه چای سازی را به منظور کمک به رونق این محصول فراهم ساخت که کارخانه های قلعه گردن، کلارآباد، و شعیب کلاهی در مازندران و لاهیجان، هختیف، لاکان، بی بالان و کومله در گیلان از آن جمله اند. البته نخستین کارخانه چای سازی ایران کارخانه ای است که در باغ کشاورزی و موسسه چایکاری لاهیجان تاسیس شد. این کارخانه که مقدمات ساخت آن از سال ۱۳۰۹ فراهم شده بود، در سال ۱۳۱۱ آماده بهره برداری شد.

در دوره پهلوی اول، دولت فقط از طریق کمک های فنی (مانند تهیه و توزیع نهال چای به صورت رایگان و دعوت از کارشناسان خارجی برای آموزش نیروهای بومی) یا پرداخت وام از صنعت چای حمایت می کرد و دخالتی در خرید و فروش چای نداشت. اما این روند با آغاز جنگ جهانی دوم در شهریور ۱۳۱۸ دستخوش تغییر شد. از سال ۱۳۱۹ دولت با انحصار چای، مبنای مدیریت متمرکز این محصول را فراهم کرد. از این سال تا پایان سال ۱۳۲۸ سیاست خرید چای خشک از طریق اداره خرید چای که در مجموعه وزارت دارایی قرار داشت، انجام می شد؛ هر چند امور مرتبط با باغداری و کمک های فنی و ارشادی به چایکاران از طریق وزارت کشاورزی صورت می گرفت. در سال ۱۳۲۹ با تاسیس شرکت چای سازمان برنامه مسئولیت اداره این صنعت به دوش این شرکت افتاد که شادروان مهندس باقر نیو (نخستین دانش آموخته رشته مهندسی در ایران) طراحی ساختار این شرکت و مدیریت آن را عهده دار شد.

این شرکت فعالیت های مهمی در راستای توسعه صنعت کشت و تولید چای انجام داد و با دعوت از کارشناسان برجسته جهان، تلاش کرد تولید چای ایران را با استانداردهای جهانی هماهنگ سازد. هر چند این شرکت نیز علی رغم فعالیت های بسیار مطلوب در اجرای برنامه های زیربنایی و تهیه و توزیع چای مرغوب در کشور با مشکلاتی مواجه شد و از سال ۱۳۳۱ به بعد در عمل نقش زیادی در پیشبرد این صنعت نداشت.

مصوبه سوم اسفند ۱۳۳۰ یکی از مهم ترین اقدامات دولت در راستای حمایت از صنعت چای بود که تحول زیادی در این زمینه ایجاد کرد. اجرای این مصوبه سبب شد تا بیشترین تعداد کارخانه های چای سازی ایران در فاصله ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۳ ساخته شوند. پس از تحولات حکومتی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، مدیریت چای تا مدتی بلا تکلیف بود و مصوبات دولت (مانند مصوبه ورود چای به شرط صدور برنج در ۱۳۳۳) برای مقابله با مشکلات در حد تسکین دهنده مفید بودند.

پس از این دوره با مصوبه اسفند ماه ۱۳۳۳، شورایی به نام شورای عالی چای در کشور تشکیل و مقرر شد سازمانی با نام سازمان چای زیر نظر این شورا مسئولیت اداره این محصول از باغداری تا تجارت آن را به عهده بگیرد. این شورا هم کاری از پیش نبرد و در سال ۱۳۳۶ صنعت چای ایران با بروز بحران عدم خرید برگ سبز و فروش نرفتن چای داخلی در آستانه فروپاشی و اضمحلال کامل قرار گرفت. در اسفند ماه ۱۳۳۶، محمدعلی صفاری (نماینده وقت لاهیجان در مجلس)، دولت را مورد خطاب قرار داد و با تشریح اوضاع نابسامان چای، خواستار مشخص شدن تکلیف این صنعت شد. ابتدا دولت وقت تصمیم گرفت سیاست آزادسازی تجارت این محصول را به اجرا بگذارد که با مخالفت چایکاران و کارخانه داران چای از تصمیم خود عدول کرد و از ۲۷ اردیبهشت ۱۳۳۷ سیاست انحصار صنعت چای را در پیش گرفت. به این منظور سازمانی به نام سازمان چای در مجموعه وزارت گمرکات و انحصارات تشکیل و مرتضی منصوری یکی از کارمندان بخش غله این وزارتخانه به عنوان نخستین رئیس سازمان چای ایران منصوب شد.